

Psychometric Properties of Persian version of The Security in the Interparental Subsystem Scales (SIS)

Alale Oboudi 

M.A student cilinical psychology university of kharazmi.

Maryam Moghadasin *

Department of clinical psychology, Faculty of Psychology and Educational , Kharazmi University, Tehran, Iran.

Jafar Hasani 

Department of clinical psychology, Faculty of Psychology and Educational , Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to prepare a Persian version of the Security in the Inter-Parental Subsystem scales (SIS), and to examine its psychometric properties in the Iranian adolescent community. The English version of the Inter-Parental Subsystem scales (SIS) questionnaire was translated and back-translated prior to its administration to 587 students (269 boys and 318 girls) from the first and second grades of high school in Shiraz at 2019-2020. After administration, the internal consistency coefficient (Cronbach's alpha) was calculated to validate the subscales and also exploratory and confirmatory factor analysis was assessed to examine the factor structure and validation of the questionnaire. In examining the factor structure of this questionnaire, 9 factors were extracted using the exploratory factor analysis method, which explained 57.8% of the variance. The results of confirmatory factor analysis also indicated a acceptable fit of the 9-factor model. The range of alpha coefficients in the whole scale was between 0.29 to 0.80. According to the results of the study, the Persian version of the Security in the interparental subsystem scales has good reliability and validity in Iranian population and is a appropriate tool for clinical and research opportunities.


Keywords: Emotional Security, Interparental system, Reliability, Validity.

* Corresponding Author: mmoghadasin@yahoo.com


How to Cite: Oboudi, A., Moghadasin, M., Hasani, J. (2022). Psychometric Properties of Persian version of The Security in the Interparental Subsystem Scales (SIS), *Journal of Clinical Psychology Studies*, 12(46), 25-62.

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS)

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

الهه عبودی 

گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مریم مقدسین *

گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

جعفر حسنی 

چکیده

هدف این پژوهش انطباق‌سازی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) در نوجوانان بود. بدین منظور، نسخه‌ی انگلیسی پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) به صورت مضاعف ترجمه و بر ۵۸۷ دانش‌آموز (۲۶۹ پسر و ۳۱۸ دختر) پایه‌های اول و دوم متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ اجرا شد. بعد از اجرا، ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی برای بررسی ساختار عاملی و رواسازی پرسشنامه محاسبه شد. داده‌ها توسط برنامه‌ی SPSS 16 و LISREL-8.7 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی ۹ عامل استخراج شد که ۵۷/۸ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از برازش مطلوب و قابل قبول مدل ۹ عاملی بود. دامنه ضرایب آلفا در کل مقیاس بین ۰/۲۹ تا ۰/۸۰ قرار داشت. نتایج حاکی از آن است که نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی در جامعه‌ی ایران از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است و ابزاری مناسب جهت فرایندهای غربالگری، تشخیص و درمان مشکلات مختلف هیجانی در موقعیت‌های بالینی و پژوهشی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت هیجانی، سیستم بین‌والدینی، اعتبار، روایی.

* نویسنده مسئول: mmoghadasin@yahoo.com

مقدمه

هر فعالیتی که از انسان سر می‌زند با هیجان و فایده و ضروری که آن هیجان برای امنیت شخصیت دارد، توأم است. هیجان‌ها بازتاب حسیِ نیازها هستند که تجربه‌های متفاوتی را به وجود می‌آورند و در قالب تجربه‌های فوریِ خوشایند یا ناخوشایند و از طریق نیازها ابراز می‌شوند. یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها نیاز به امنیت است: نیازی که در تمام طول زندگی انسان پایدار است. این نیاز با به دنیا آمدن یک انسان ظهور می‌کند و در تمام طول زندگی‌اش همراه او خواهد بود. انسان‌ها تنها زمانی احساس امنیت می‌کنند که وارد حوزه‌ی روابط هیجانی شوند و در آن ثابت گردند (زوتووا^۱، ۲۰۱۵).

نزدیک به پنجاه سال، امنیت هیجانی از دایره‌ی توجه محققان دور مانده بود. تا آن که در ۱۹۹۴ این مفهوم با مقاله‌ای که دیویس و کامینگز تحت عنوان «تعارض‌های زناشویی و سازگاری کودکان: نظریه‌ی امنیت هیجانی» منتشر کردند دوباره ظهور کرد.

این دو محقق معتقدند که نایمنی هیجانی نقش میانجی تعارضات زناشویی و مشکلات سازگاری کودکان را دارد (دیویس^۲ و کامینگز^۳، ۱۹۹۴). دیویس و کامینگز (۱۹۹۸) در نظریه‌ی ایمنی هیجانی اصول نظریه نظام‌های خانواده و نظریه دلبستگی (بالبی^۴ ۱۹۶۹) را می‌پذیرند و بر نیاز کودک برای حفظ احساس ایمنی در رابطه میان کودک و والدین تأکید می‌کنند؛ اما ایمنی را نیازی در سایر بافت‌های خانواده از جمله در رابطه میان پدر و مادر نیز می‌دانند. کودک در خلال ناسازگاری‌های والدین احساس عدم امنیت می‌کند. این احساس عدم امنیت به‌طور خودکار منابع درونی را برای بازگرداندن احساس امنیت هیجانی به کار می‌گیرد؛ بنابراین این گونه می‌توان استنباط کرد که امنیت هیجانی اطمینان فرد به منابعی درونی‌اش برای مقابله با تهدیدهای جدید و شرایط خطرناک (زوتووا، ۲۰۱۵) است. این دو محقق نشان دادند که تعارض‌های زناشویی، ایمنی هیجانی

-
1. Zotova
 2. Davies
 3. Cummings
 4. Bowlby

کودکان را تضعیف می‌کند و در نهایت کارکرد انطباقی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (تامپسون^۱، ۲۰۰۰). آن‌ها بیان می‌کنند که نگرانی‌های کودکان درباره ایمنی هیجانی نقش مهمی در تنظیم برانگیختگی هیجانی و سازمان‌دهی به آن و در انگیزه آن‌ها برای پاسخ‌دهی به تعارضات والدین دارد. در طول زمان، پاسخ‌هایی که کودک به کشمکش‌های والدین می‌دهد و بازنمایی‌های درونی شده از چگونگی ارتباط والدینش با یکدیگر، بر سازگاری بلندمدت کودک اثر می‌گذارد. در واقع، نایمنی هیجانی محصول تجربه‌های گذشته کودک است که بر آینده وی تأثیری عمده دارد (دیویس و کامینگز، ۱۹۹۴).

ایمنی هیجانی دارای سه بعد است: ۱. واکنش هیجانی^۲: یعنی در هنگام احساس خطر بالقوه، فرد ترس^۳ یا استرس تجربه می‌کند و با آگاهی افزایش یافته^۴ یا خصومت پنهان^۵ پاسخ می‌دهد؛ ۲. تنظیم رفتاری^۶: توانایی فرد است برای تنظیم واکنش‌هایش، به صورتی که حداقل رساندن تهدیدات و شرایط بالقوه خطرناک؛ ۳. بازنمایی درونی^۷: بر طرح‌واره‌های هشیار یا ناهشیار افراد به هنگام خطرهای بالقوه، استوار است (زوتووا، ۲۰۱۵).

بنابراین، علائم نایمنی به هنگام مشاجره بین والدین در این سه بعد انعکاس می‌یابد: واکنش هیجانی زیادتر (برای مثال، آسیب‌پذیر شدن به ترس، گوش به زنگی و رنج شدید، طولانی و نامنظم)؛ به صورت افراطی مواجهه‌ی با احساسات والدین را سامان می‌دهند (برای مثال، اجتناب از مشکل والدین یا درگیر شدن در مشکل آن‌ها) و درونی کردن بازنمایی‌های منفی از تأثیری که تعارض والدین برای رفاه فرد و خانواده دارد (دیویس و کامینگز، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸).

این سه بعد ایمنی هیجانی، در واقع، فرایندها و مکانیزم‌هایی هستند که امنیت فرد را به درجات مختلف ارتقا می‌دهند و حفظ می‌کنند. اول، برانگیختگی و رنجی که همراه با

-
1. Thompson
 2. Emotional Reactivity
 3. Fear
 4. Increased Altrness
 5. Latent Hostility
 6. Behavioral Regulation
 7. Internal Representation

واکنش هیجانی شدید است، احتمالاً در ابتدا سازگارانه است: بدین صورت که وجود خطر احتمالی را در خانواده‌های با تعارض زیاد هشدار می‌دهد. این برانگیختگی منابع روانی و جسمی کودک را بسیج می‌کند تا سریعاً با اضطراب سازگار شود و بهزیستی فرد را حفظ کند (سارنی^۱، مومه^۲ و کمپس^۳، ۱۹۹۸؛ تامپسون^۴ و کلکینز^۵، ۱۹۹۶). دوم، زمانی که امنیت هیجانی به خطر می‌افتد، ممکن است کودک منابعش را برای مواجهه با تعارض والدین هزینه کند. با کاهش مواجهه با خطر بین‌فردی، اجتناب کردن از تعارض یا مداخله در آن وسیله‌ای مؤثر است که کودکان می‌توانند توسط آن درجاتی از امنیت هیجانی‌شان را بازگردانند (کامینگز و دیویس، ۱۹۹۶). سوم، ساختن فعالانه‌ی مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها درباره‌ی معنایی که تعارض بین والدین برای فرد و خانواده دارد، چارچوب یا نقشه‌ای را فراهم می‌کند که فرد می‌تواند از طریق آن‌ها رویدادهای بین والدین را شناسایی و پیش‌بینی کند: رویدادهایی که می‌تواند بهزیستی فرد و خانواده‌اش را تضعیف کند (تامپسون، فلاد^۶ و لاندکویست^۷، ۱۹۹۵)؛ از این رو، سیستم‌های بازنمایی، خطر احتمالی را به فرد یادآوری می‌کند تا کودکان بتوانند با افزایش توانشان برای حفاظت از خود و خانواده، احساس امنیت را به دست آورند. نظریه‌ی امنیت هیجانی همچنین پیش‌بینی می‌کند که مواجهه‌ی بیشتر با تاریخچه‌ی مخرب تعارض والدین با نایمینی هیجانی بیشتر مرتبط است. این نایمینی در واکنش هیجانی زیاده‌تر، سامان‌دهی افراطی به هنگام مواجهه با احساسات والدین و بازنمایی‌های مخرب نشان داده می‌شود (دیویس و کامینگز، ۱۹۹۴).

گرچه پژوهش‌های متعددی نقش واسطه‌گری امنیت هیجانی در ارتباط تعارض‌های بین‌والدینی و کارکرد کودک را تأیید کرده‌اند، ارزیابی واکنش کودکان و نوجوانان به کشمکش‌های بین والدین به شبیه‌سازی کشمکش‌های خفیف بین بزرگسالان در

1. Saarni
2. Mumme
3. Campus
4. Thompson
5. Calkins
6. Flood
7. Lundquist

آزمایشگاه محدود شده است (کامینگز، ۱۹۹۵). هرچند آنالوگ و آزمایشگاه بخش‌های ارزشمندی از برنامه‌های پژوهشی چندروشی هستند، نتایج آن‌ها به‌تنهایی کفایت نمی‌کنند. هنگامی که این آزمایش‌ها به‌تنهایی اجرا می‌شوند، سنجشی ناکافی، دارای اریب و حتی مصنوعی از اینکه کودکان چگونه در ارتباط بین‌والدینی به امنیت هیجانی دست می‌یابند، منجر می‌شود (کامینگز، ۱۹۹۵).

از سوی دیگر، جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر آزمایشگاه گران‌قیمت هستند و نیازمند به‌صرف وقت زیاد است. آموزش‌های تخصصی و دسترسی به انواع به‌خصوصی از منابع و وسایل برای ایجاد تعارض شبیه‌سازی‌شده، اجرای فرایندهای آنالوگ و ابداع سیستم کدگذاری برای جریان‌های رفتاری و سرگذشتی داده‌ها ضروری هستند؛ بنابراین، مطالعه نظریه امنیت هیجانی به اندازه‌گیری‌های آزمایشگاهی و نمونه‌های کوچک محدود شده است (دیویس و فورمن، ۲۰۰۲).

از این‌رو، سنجش امنیت هیجانی به طراحی مقیاس‌هایی نیازمند است که امنیت هیجانی کودکان را در بافت طبیعی ارتباط بین‌والدینی اندازه‌گیری کند. با وجود اینکه ابزارهای خودگزارشی محدودیت‌های خاص خود را دارند، فوایدی نیز دارند که محدودیت‌های طرح‌های آزمایشی را جبران می‌کنند. اول، به دلیل اینکه مطالعات پیشین درباره امنیت هیجانی کاملاً بر شبیه‌سازی‌های آزمایشگاهی مبتنی بودند (فینچام^۱، گریچ^۲ و ابزورن^۳، ۱۹۹۴)، طراحی ابزار خودگزارشی وسیله‌ای فراهم می‌کند که می‌توان از آن برای اندازه‌گیری ابعاد مختلف امنیت هیجانی بهره گرفت. دوم اینکه ابزارهای خودگزارشی را به راحتی می‌توان برای نمونه‌های با تعداد زیاد برای مدل‌های آماری چندمتغیری به کار برد. سوم اینکه ایجاد یک ابزار خودگزارشی پایا و معتبر اعتبار اکولوژیکی یافته‌ها را افزایش می‌دهد (دیویس و فورمن، ۲۰۰۲).

بر این اساس، دیویس و فورمن (۲۰۰۲) شکل پیمایشی مقیاس امنیت در زیرسیستم

1. Fincham
2. Grych
3. Osborne

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۳۱

بین‌والدینی (SIS) برای فراهم آوردن روشی مناسب برای ارزیابی امنیت هیجانی کودکان و نوجوانان در ارتباط بین‌والدینی طراحی کردند. این پرسشنامه بررسی می‌کند که کودکان و نوجوانان برای حفظ امنیت هیجانی‌شان به هنگام تعارض بین والدین از چه استراتژی‌هایی استفاده می‌کنند.

امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای (۱=اصلاً درباره من صدق نمی‌کند، ۲= کمی درباره من صدق می‌کند، «۳= تقریباً درباره من صدق می‌کند و ۴= خیلی زیاد درباره من صدق می‌کند) است. نمرات هر سؤال به سادگی با نمرات دیگر سؤال‌ها جمع می‌شود و نمرات بالاتر بیان‌گر ناایمنی بیشتر در آزمودنی است. دامنه‌ی نمرات از ۳۷ تا ۱۴۸ است. این مقیاس شامل ۳۷ ماده و ۷ مؤلفه است. مؤلفه‌های پرسشنامه عبارت‌اند از: واکنش هیجانی، اختلال در تنظیم رفتاری، اجتناب، میانجی‌گری، بازنمایی‌های درونی سازنده از خانواده، بازنمایی‌های درونی مخرب از خانواده و بازنمایی‌های تأثیر تعارض. ضریب آلفای ارزیابی‌شده در ۶ مقیاس بیش از ۰/۷۰ (عدد استاندارد و قابل قبول برای ضریب آلفا) است. در زیرمقیاس اختلال در تنظیم رفتاری ضریب آلفا ۶۵/۵۲ است. اعتبار بازآزمایی که بعد از دو هفته از ۹۰ نوجوان به عمل آمد، برای همه‌ی زیرمقیاس‌ها به جز اختلال در تنظیم رفتاری در دامنه‌ی قابل قبول قرار داشت (دیویس و فورمن، ۲۰۰۲).

سیلوا^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در جامعه‌ی نوجوانان پرتغالی این پرسشنامه را اعتبارسازی کردند. در این پژوهش، ابتدا بر اساس اینکه در نسخه‌ی اصلی تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفته بود، ساختار عاملی نسخه‌ی اصلی با استفاده از آزمودنی‌های جامعه‌ی پرتغال آزمایش شد؛ اما نتایج تحلیل عاملی تأییدی برازش قابل قبول را نشان نداد؛ بدین جهت تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت. در این تحلیل ۱۲ ماده (۶، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲) به دلیل بار عاملی کم، بار شدن بر چندین عامل و ارتباط ضعیفی که به لحاظ تئوریک با عامل داشت، از تحلیل حذف شدند. آن‌ها در نهایت، مدل

۶ عاملی را مطرح کردند که ۵۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کنند. عامل اول (شامل ۷ ماده: هنگامی که پدر و مادرم دعوا می‌کنند، احساس ترس می‌کنم؛ هنگامی که پدر و مادرم دعوا می‌کنند، احساس ناامنی می‌کنم؛ هنگامی که پدر و مادرم دعوا می‌کنند، به نظر می‌رسد نمی‌توانم خودم را آرام کنم؛ هنگامی که پدر و مادرم دعوا می‌کنند، احساس ناراحتی می‌کنم؛ هنگامی که پدر و مادرم دعوا می‌کنند، احساس خشم می‌کنم؛ بعد از اینکه پدر و مادرم باهم دعوا می‌کنند، نمی‌توانم از شر احساس‌های بد خلاص شوم؛ بعد از اینکه پدر و مادرم باهم دعوا می‌کنند، کل روزم خراب می‌شود) با عامل واکنش هیجانی در نسخه‌ی اصلی تشابه دارد. عامل دوم (شامل ۴ ماده: وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، می‌دانم که همه‌چیز به‌خوبی پیش می‌رود؛ وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، می‌دانم هنوز یکدیگر را دوست دارند؛ وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، معتقدم که می‌توانند اختلافاتشان را حل و فصل کنند؛ وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، خانواده هنوز می‌تواند با یکدیگر همراه باشند) با بازنمایی‌های سازنده از خانواده متشابه است. عامل سوم (شامل ۲ ماده: وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، سعی می‌کنم کاملاً ساکت باشم؛ وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، در آخر هم کاری انجام نمی‌دهم؛ در صورتی که دلم می‌خواست می‌توانستم کاری انجام دهم) اجتناب به‌وسیله‌ی بازداری نام‌گرفت؛ زیرا قسمتی از عامل اجتناب در نسخه‌ی اصلی را پوشش می‌دهد. عامل چهارم، (شامل ۲ ماده: وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند؛ احساس می‌کنم در وسط جروبحث گرفتار شده‌ام، وقتی پدر و مادرم دعوا می‌کنند، احساس می‌کنم تقصیر من است) قسمتی از عامل بازنمایی‌های تأثیر تعارض در نسخه‌ی اصلی است. عامل پنجم (۲ ماده: هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند، سعی می‌کنم با مطرح کردن چیزهای دیگر مانع دعواکردنشان بشوم؛ هنگامی که پدر و مادرم در حال دعواکردن هستند، سعی می‌کنم مشکلشان را حل کنم) قسمتی از عامل میانجی‌گری نسخه‌ی آمریکایی است و در نهایت عامل ششم (شامل دو ماده: هنگامی که پدر و مادرم در حال دعواکردن هستند، دوست دارم تا جایی که ممکن است از آن‌ها دور شوم؛ هنگامی که پدر و مادرم در حال دعواکردن هستند، سعی می‌کنم از آن‌ها

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۳۳

دور شوم (مثلاً اتاق را ترک کنم)) اجتناب به‌وسیله‌ی ترک کردن نام گرفت. این ۶ عامل شامل خرده‌مقیاس اختلال در تنظیم رفتاری و بازنمایی‌های مخرب از خانواده نمی‌شود و خرده‌مقیاس اجتناب به دو بعد اجتناب به‌وسیله‌ی بازداری و اجتناب به‌وسیله‌ی ترک تقسیم می‌شود. ضریب کرونباخ برای عامل ۱، ۲ و ۳ به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۹ و ۰/۷۴ به دست آمد. این ضریب برای سه عامل ۴، ۵ و ۶ زیر ۰/۷۰ است. در پژوهش مذکور محققان نشان می‌دهند پاسخ‌های غیرسازنده و منفی‌گرایانه درباره‌ی اینکه آینده‌ی یک رابطه چگونه خواهد بود، شامل رفتارهای فعالانه‌ای می‌شود که فرد در آن خودش را از رابطه دور می‌کند؛ همچنین، این پاسخ‌ها شامل رفتارهای منفعلی می‌شود که فرد در آن صبر می‌کند تا شرایط رابطه بهتر شود، بدون اینکه خودش مداخله‌ی داشته باشد. بازداری و اجتناب به‌وسیله‌ی ترک کردن در نوجوانان در واقع در راستای این دو دسته پاسخ قرار می‌گیرد؛ به این صورت که پاسخ‌های بازداری شامل رفتارهای منفعل و پاسخ‌های اجتناب به‌وسیله ترک کردن شامل رفتارهای فعالانه می‌شود. هر دوی این پاسخ‌ها در ادبیات پژوهش به‌عنوان دو روش متفاوت مقابله‌ای در نظر گرفته می‌شود. این نتیجه همسو با روش تحصیل و اجتماعی شدن در جامعه‌ی پرتغال است که در آن فرمانبری صرف و احترام به بزرگ‌ترها برای نوجوانان یک ارزش است که باعث بروز رفتارهای منفعلانه در آن‌ها به هنگام نزاع بین والدین می‌شود. نهایتاً، نویسندگان این مقاله نتیجه می‌گیرند که اگرچه این مدل با مدل ۷ عاملی اصلی اندکی تفاوت دارد، این مدل به نظریه‌ی ایمنی هیجانی مرتبط است و توسط ساختار پرسشنامه‌ی اصلی حمایت می‌شود.

همچنین، حالت^۱ و همکاران (۲۰۱۹) مقیاس امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) را به‌منظور تأیید ساختار عاملی نسخه‌ی اصلی آمریکایی، در جامعه‌ی اسکاندیناوی (نروژ) مورد مطالعه قرار دادند. بدین منظور، آن‌ها در ابتدا مقیاس را اصلاح کردند و سپس نسخه‌ی کوتاه‌شده‌ی SIS را از نسخه‌ی اصلاح‌شده استخراج نمودند. شرکت‌کنندگان این پژوهش ۳۹۰ کودک و نوجوان ۱۰ تا ۱۵ (میانگین = ۱۲/۵، انحراف استاندارد = ۱/۶۰) بودند.

در مدل اصلاح‌شده، به دلیل اینکه CPIC و SIS در ارزیابی واکنش کودکان به تعارضات بین والدین مشترک بودند، برخی از سؤال‌های CPIC برای تقویت SIS به کاربرده شد؛ بنابراین، در نسخه‌ی اصلاح‌شده ۷ سؤال از CPIC به SIS اضافه و برخی سؤال‌ها به دلیل اینکه واریانس بسیار کمی را تبیین می‌کردند، از مقیاس حذف گردیدند. نهایتاً این پرسشنامه شامل ۳۸ سؤال شد. برازش مدل اصلاح‌شده به لحاظ روان‌سنجی مطلوب گزارش شد (RMSA=۰/۰۳۹، CFI=۰/۹۵۸، TLI=۰/۹۵۶).

نسخه‌ی کوتاه شده در جامعه‌ی اسکاندیناوی شامل ۱۷ سؤال و ۶ خرده مقیاس می‌شود. خرد مقیاس بازنمایی‌های سازنده از خانواده به دلیل نداشتن برازش مطلوب از نسخه‌ی کوتاه‌شده حذف گردید. همبستگی بین نسخه‌ی کوتاه شده با نسخه‌ی اصلی برابر با $r=۰/۹۷$ ، همسانی درونی این مقیاس بر اساس همبستگی پیرسون برابر با $۰/۸۸$ و آلفای اوردینال برابر با $۰/۹۴$ بود. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی این نسخه در دامنه‌ی قابل قبول قرار داشت ($p<۰/۰۵$)، $X^2_{(۱۱۱)}=۲۵۸/۸۷$ ، $CFI=۰/۹۷۲$ ، $TLI=۰/۹۶۵$ ، $RMSA=۰/۰۵۹$.

محققان پژوهش مذکور نشان می‌دهند که ماده‌های خرده مقیاس حذف‌شده یعنی بازنمایی‌های سازنده از خانواده به لحاظ مفهومی با سایر خرده مقیاس‌ها متفاوت است چراکه این ماده‌ها بیش از سایر خرده مقیاس‌ها آینده را پیش‌بینی می‌کنند؛ همچنین، خرده مقیاس بازنمایی‌های سازنده از خانواده بیشتر از بازنمایی‌ها یا واکنش‌هایی که به یک موقعیت خاص مرتبط می‌شوند، دیدگاهی باثبات‌تر به کل زندگی دارد.

دو مقیاس ایمنی در سیستم خانواده^۱ (SIFS) و مقیاس ادراک کودکان از تعارض میان والدین^۲ (CPIC) به لحاظ تئوریک با SIS قرابت نزدیکی دارند. مقیاس SIFS مبتنی بر ارزیابی کودک از کلیت خانواده به عنوان منبع ایمنی یا نایمنی است. فورمن و دیویس (۲۰۰۵) بر مبنای نظریه ایمنی هیجانی و به کمک تحلیل عاملی به سه بعد (ایمنی، مشغله

1. Security in the Family System (SIFS) Scale
2. Children's Perception of Interparental Conflict Scale

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۳۵

ذهنی و کناره‌گیری) معتبر و روا از سازه‌ی ایمنی هیجانی رسیدند. این مقیاس دارای ۲۲ سؤال چهارگزینه‌ای (کاملاً موافق=۴، موافق=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) است و برای سنجش ارزیابی کودکان ۱۰ تا ۱۵ ساله از ایمنی در خانواده به‌عنوان یک سیستم و پایه‌ی امنیت و حمایت طراحی شده است طراحی شده است. بعد ایمنی (شامل ۷ سؤال) عبارت است از اعتماد کودک به خانواده به‌عنوان منبع حمایت و امنیت، مشغله‌ی ذهنی (شامل ۸ سؤال) نگرانی‌های کودک درباره‌ی آینده و بهزیستی خود و خانواده و کناره‌گیری (شامل ۷ سؤال) به معنای تلاش کودک برای رهاشدن از تعارضات خانواده و کوچک شمردن آن‌ها است. مشغله‌ی ذهنی و کناره‌گیری دو بعد نایمنی هستند. قره‌باغی و همکاران (۱۳۸۸) نسخه‌ی فارسی این پرسشنامه را تهیه کرده‌اند. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای مقیاس ایمنی ۰/۶۵ و مجموع دو مقیاس نایمنی ۰/۷۴ به دست آمده است. تفاوت SIFS با SIS در این است که در SIFS فرد می‌سنجد که آیا کلیت خانواده منبعی ایمن برای کودک یا نوجوان است یا خیر (فورمن و دیویس، ۲۰۰۵) و مقیاس SIS این نکته را می‌سنجد که کودکان یا نوجوانان چگونه به تعارضات بین والدین پاسخ می‌دهند (دیویس و فورمن، ۲۰۰۲).

گریچ^۱ و همکاران (۱۹۹۲) مقیاس ادراک کودکان از تعارضات میان والدین (CPIC) را بر مبنای الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت، برای سنجش تعارضات زناشویی از گزارش‌های کودکان، یعنی ویژگی‌های تعارضات یا ابعاد تعارضات والدین از دید کودک (شامل مقیاس‌های تکرار، شدت، حل مسئله و محتوای تعارضات) و واکنش کودک به تعارضات یا تفسیر تعارضات (شامل احساس تهدید، کارآمدی مقابله و خودمقصری) برای سنین ۱۰ و بالاتر طراحی کرده‌اند که شامل ۵۱ سؤال است. این مقیاس دارای پنج پرسش است. هر پرسش نیز دارای سه گزینه (درست=۲، تقریباً درست=۱ و غلط=صفر) است و دامنه‌ی نمرات آن از صفر تا ۱۰۲ می‌تواند نوسان داشته باشد. نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های تعارضات منفی‌تر (تعارضات بیشتر و شدیدتر، حل تعارضات ضعیف‌تر و ارتباط بیشتر

محتوای کشمکش با موضوعات مربوط به کودک)، خودمقصرینی، احساس تهدید بیشتر و کارآمدی مقابله‌ی کم‌تر است. در پژوهش قره‌باغی و همکاران (۱۳۸۸) نمره‌های آلفای کرونباخ به شرح زیر بودند: جمع مقیاس ویژگی‌های تعارض ۰/۷۷، جمع مقیاس تفسیر تعارض ۰/۶۱ و ارزیابی تعارض یا جمع کل مقیاس‌ها ۰/۸۴. درحالی‌که در CPIC تأکید در وهله‌ی نخست بر شناخت‌ها است، در SIS بر نقش هیجان‌ها تأکید می‌شود (دیویس و کامینگر، ۱۹۹۴).

درنهایت، پژوهش حاضر به این می‌پردازد که آیا پرسشنامه امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) در نوجوانان ایرانی دارای روایی و اعتبار مناسبی است؟.

روش

به‌منظور تهیه و آماده‌سازی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه امنیت هیجانی ابتدا پرسشنامه به‌طور جداگانه توسط پژوهشگران این پژوهش و یک متخصص زبان انگلیسی ترجمه شد. ترجمه موردنظر پس از نشست مشترک و رفع ابهامات به نسخه‌ی واحدی تبدیل شد. در مرحله‌ی دوم نسخه‌ی ترجمه‌شده توسط یک متخصص زبان انگلیسی مجدداً به انگلیسی برگردانده شد. درنهایت، اشکالات موجود رفع و پرسشنامه آماده بهره‌برداری شد. قبل از اجرا، نسخه‌ی اصلی جهت دریافت بازخورد از شرکت‌کنندگان درباره‌ی محتوای سؤال‌ها و رفع ایرادهای احتمالی در روند ترجمه و آماده‌سازی مقیاس، پرسشنامه آماده‌شده بر روی ۳۰ نفر از نوجوانان که به‌صورت دسترس انتخاب‌شده بودند، اجرا و مشکلات احتمالی رفع شد. در اجرای اصلی، جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دوره‌ی اول و دوم متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. در ارتباط با تعیین حداقل حجم نمونه، کلاین^۱ (۲۰۱۵) معتقد است در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است؛ اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است؛ اما در تحلیل عاملی تأییدی حداقل حجم نمونه بر اساس عامل‌ها تعیین می‌شود، نه متغیرها. از آنجا که مطالعه‌ی حاضر به دنبال بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه است، تحلیل‌های آماری مانند بررسی اعتبار

1. Kline

(محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ) و بررسی روایی (روایی سازه مانند تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی) را انجام می‌دهد، در واقع به دنبال کشف روابط درونی و ساختاری ماتریس واریانس-کوواریانس پاسخ آزمودنی‌ها به سؤالات است. کلیه روش‌هایی که در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی یک پرسشنامه انجام می‌گیرد، جزو روش‌های همبستگی است و قانون انتخاب حجم نمونه در چنین مطالعاتی و مطالعات همبستگی یکسان است و حجم نمونه بزرگ توصیه می‌شود (مک کوئیتی^۱، ۲۰۰۴). کلاین (۲۰۱۵) در خصوص چنین مطالعاتی حجم نمونه بالای ۵۰۰ نفر را حجم نمونه بزرگ قلمداد می‌کند؛ بنابراین، به منظور انتخاب نمونه‌ی معرف و دقیق ۵۸۷ نوجوان از شهر شیراز، ۲۶۹ نفر پسر (۴۵/۸ درصد) و ۳۱۸ نفر دختر (۵۴/۲ درصد)، از جامعه‌ی دانش‌آموزان مذکور به شیوه‌ی نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان ۱۴ تا ۱۸ سال با میانگین ۱۵/۶۹ و انحراف استاندارد ۱/۱۳ بود.

در فرایند نمونه‌برداری ابتدا به آموزش و پرورش کل شیراز مراجعه شد. پس از اخذ مجوز به هر یک از نواحی چهارگانه شیراز مراجعه و لیست تمامی مدارس مقطع متوسطه دخترانه و پسرانه گرفته شد. سپس، از هر ناحیه تعداد پنج مدرسه به تصادف و از هر مدرسه سی دانش‌آموز نیز به تصادف انتخاب شدند. لازم به ذکر است که برای رعایت اخلاق در پژوهش، پژوهشگر پس از توضیح فرایند پژوهش و جلب رضایت دانش‌آموزان، ابزار پژوهش را بین آن دسته از دانش‌آموزانی توزیع کرد که برای شرکت در پژوهش اعلام آمادگی نمودند؛ هم‌چنین، در طول مدت پاسخ‌دهی شرکت‌کننده‌ها، پژوهشگر حضور فعال داشت تا از بروز پاسخ‌های تصادفی جلوگیری نماید و در صورت لزوم به پرسش‌های آن‌ها پاسخ دهد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها توسط برنامه‌ی SPSS 16 و LISREL-8.7 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بین‌والدینی (SIS) ۳۷ ماده دارد که دیویس و فورمن (۲۰۰۲) برای اندازه‌گیری مناسب ایمنی هیجانی آن را تدوین کرده‌اند. SIS شامل ۷ خرده‌مقیاس واکنش هیجانی، اختلال در تنظیم رفتاری، اجتناب، میانجی‌گری، بازنمایی‌های

درونی سازنده از خانواده، بازنمایی‌های درونی مخرب از خانواده و بازنمایی‌های تأثیر تعارض می‌شود. ماده‌های پرسشنامه توسط آزمودنی بر اساس یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (۱- اصلاً درباره من صدق نمی‌کند؛ ۲- کمی درباره من صدق می‌کند؛ ۳- تقریباً درباره من صدق می‌کند؛ ۴- خیلی زیاد درباره من صدق می‌کند) رتبه‌بندی می‌شود. دامنه نمرات کل پرسشنامه از ۳۷ تا ۱۴۸ است.

در نسخه‌ی اصلی (دیویس و فورمن، ۲۰۰۲) جهت بررسی روایی از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و تحلیل عاملی تأییدی (CFA) بر دو گروه مختلف استفاده شده است. در گروه اول، تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) راه‌حل هفت عاملی پذیرفته شد. این هفت عامل ۶۱٪ کل سؤالات را تبیین می‌کردند. عامل‌های یک و سه دو بعد مختلف واکنش هیجانی هستند. عامل اول (۹ سؤال) واکنش هیجانی نام گرفته است؛ زیرا ماده‌های آن احساسات منفی مکرر، طولانی و به صورت مختل ابراز شده را می‌سنجند. عامل سوم (۳ سؤال) اختلال رفتاری نام گرفته است؛ زیرا متشکل از برانگیختگی رفتاری و فقدان کنترل بود. عامل دوم، چهارم و ششم هر کدام متشکل از چهار سؤال هستند که شکل‌های مختلف بازنمایی‌های درونی در نظر گرفته شدند. عامل دوم و چهارم، هر دو، ارزیابی کودک‌کان و نوجوانان از مفهومی است که تعارض والدین برای رفاه خانواده دارد. عامل دوم بازنمایی‌های سازنده از خانواده نام گرفته است که ارزیابی فرد را درباره‌ی کم یا سازنده بودن تعارض برای خانواده بازتاب می‌دهد. عامل چهارم، بازنمایی‌های مخرب از خانواده نام‌گذاری شده است؛ زیرا ارزیابی‌های فرد از مضر بودن نتایج این تعارض‌ها برای خانواده را متضمن می‌شد. عامل ششم، تأثیر تعارض نام گرفته است؛ زیرا شامل باور کودک‌کان و نوجوانان درباره‌ی این است که این تعارض‌ها گسترده می‌شوند و بهزیستی خود کودک و ارتباطاتش با والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عامل پنجم (۷ سؤال) و عامل هفتم (۶ سؤال) شکل‌های دیگر سامان‌دادن به مواجهه‌ی با احساسات والدین هستند. عامل پنجم، اجتناب نام‌گذاری شده است؛ زیرا ماده‌هایش راهبردهایی را نشان می‌دهند که شامل فرار از اختلاف بین والدین یا تأثیرات منفی بعد از آن است. عامل هفتم، درگیر شدن نام گرفته است؛ زیرا ماده‌ها شامل دخیل شدن هیجانی (برای مثال، نگرانی برای والدین) و رفتاری (برای مثال، کمک به آرام کردن آن‌ها و حل مسئله) می‌شدند.

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۳۹

همچنین در این نسخه، تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، در گروه دوم، برای محاسبه‌ی اعتبار این هفت عامل اجرا شد. شاخص‌های برازش کلی مدل هفت عاملی به صورت کلی در دامنه‌ی مطلوب برازش قرار گرفتند.

ضریب آلفا (a) برای ۶ خرده مقیاس بیش از ۰/۷ است (واکنش هیجانی، گروه اول=۰/۸۹ و گروه دوم=۰/۸۶؛ اختلال در تنظیم رفتاری، گروه اول=۰/۶۵ و گروه دوم=۰/۵۲؛ اجتناب، گروه اول=۰/۸۰ و گروه دوم=۰/۷۹؛ میانجی‌گری، گروه اول=۰/۷۲ و گروه دوم=۰/۷۴؛ بازنمایی‌های سازنده از خانواده، گروه اول=۰/۸۶ و گروه دوم=۰/۸۶؛ بازنمایی‌های مخرب از خانواده، گروه اول=۰/۸۴ و گروه دوم=۰/۷۶؛ بازنمایی‌های تأثیر تعارض، گروه اول=۰/۸۳ و گروه دوم=۰/۸۱). این ضریب برای زیرمقیاس اختلال در تنظیم رفتاری (شامل ۳ سؤال) در نمونه‌ی اول و دوم ۰/۶۵ و ۰/۵۲ است. پایین بودن ضریب آلفا در این خرده مقیاس شاید به دلیل این باشد که مقیاس‌های کوچک‌تر منجر به ارزش‌های کم‌تر ثبات درونی می‌شوند. ضرایب اعتبار بازآزمایی بعد از دو هفته بر ۹۰ کودک در دامنه‌ی قابل قبول (۰/۷) قرار داشت، به جز برای خرده مقیاس اختلال در تنظیم رفتاری (۰/۵۹).

یافته‌ها

به منظور بررسی ساختار عاملی (روایی سازه) پرسشنامه از هر دو روش تحلیل عاملی اکتشافی^۱ و تحلیل عاملی تأییدی^۲ استفاده شد. در ابتدا ۵۰ درصد کل داده‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند و بر ۵۰ درصد اول تحلیل عاملی اکتشافی و بر ۵۰ درصد دوم داده‌ها تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد.

در تحلیل عاملی اکتشافی، جهت استخراج عوامل زیربنایی پرسشنامه ایمنی در زیرسیستم بین‌والدینی از روش تحلیل مؤلفه‌ی اصلی^۳ با چرخش ابلیمین^۴ در سطح ماده انجام شد. بر اساس تئوری زیربنایی پرسشنامه مبنی بر اینکه خرده مقیاس‌های SIS به هم

1. Exploratory Factor analysis
2. Confirmatory factor analysis
3. Principle Component Analysis
4. Oblimin Rotate

مرتبط هستند (دیویس و کامینگز، ۱۹۹۴؛ کامینگز و دیویس، ۲۰۱۰)، از چرخش اولیمن استفاده شد. همچنین، از ملاک ارزش ویژه^۱ و بزرگ‌تر از آن طبق نظر گاتمن^۲ (۱۹۵۴) و کایزر^۳ (۱۹۶۱) و نیز طبق نظر کتل^۴ (۱۹۶۶) از نمودار اسکری برای استخراج عوامل استفاده گردید. در تحلیل عامل، عبارات دارای بار عاملی ۰/۳۲ و بالاتر (تباچینیک^۵ و فیدل^۶ و المن^۷، ۲۰۱۸) برای گزارش در جداول انتخاب شدند.

در این پژوهش، نخست قابلیت تحلیل عاملی از طریق آماره کایزر-مایر-اولکین^۸ و آزمون کرویت بارتلت^۹ بررسی شد. بر این اساس، در نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله مقدار آماره کایزر-مایر-اولکین (KMO) (۰/۸۴۲) به دست آمد که بیانگر کفایت نمونه است و نتایج آزمون کرویت بارتلت ($P < ۰/۰۰۱$) $= ۵,۵۵۵E۳$ ($x^2_{(۵۶۱)}$) نشان می‌دهد که ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست؛ بنابراین عامل‌یابی قابل توجیه می‌باشد.

بعد از حذف سه ماده (۵، ۱۰ و ۱۳) به دلیل ضعف در تفسیرپذیری تئوریک (تباچینیک و فیدل، ۱۹۹۶) ۹ عامل بر اساس ملاک ارزش ویژه و نمودار سنگ‌ریزه^{۱۰} (نمودار ۱) استخراج شد. هر ۹ عامل ارزش ویژه بالاتر از یک داشتند و ۵۷/۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌کردند. جدول نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌ی اصلی با چرخش اولیمن در نوجوانان را نشان می‌دهد. عامل اول شامل ماده‌های (۱، ۳، ۶، ۷ و ۸) با عامل واکنش هیجانی در نسخه‌ی آمریکایی همپوشانی دارد؛ چراکه شامل ابراز هیجان‌های منفی مکرر و طولانی می‌شود. از آنجایی که این عامل مبتنی بر هیجان‌های خشم و ناراحتی است، این عامل واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی نام گرفت. عامل دوم شامل ماده‌های (۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۷) با عامل بازنمایی‌های سازنده از خانواده در نسخه‌ی

1. Eigenvalues
2. Guttman
3. Kaiser
4. Cattell
5. Tabachnick
6. Fidell
7. Ullman
8. Kaiser-Meyer Olkin (KMO)
9. Bartlett test of Sphericity
10. Scree Plot

اصلی یکسان است؛ زیرا ارزیابی‌های دوستانه یا سازنده‌ی فرد از خانواده را بازتاب می‌دهد. عامل سوم ماده‌های ۱۸، ۲۲، ۲۴ و ۲۶ را شامل می‌شود. این عامل با عامل اجتناب در نسخه‌ی آمریکایی یکسان است؛ زیرا نشان‌دهنده‌ی اجتناب فرد به‌صورت بازدارنده یا اجتناب فیزیکی به‌هنگام تعارض والدین است. عامل چهارم شامل ماده‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۶ می‌شود. این عامل با عامل اختلال در تنظیم رفتاری در نسخه‌ی اصلی یکسان است؛ زیرا برانگیختگی رفتاری و فقدان کنترل را نشان می‌دهد. عامل پنجم شامل ماده‌های ۱۷، ۳۲، ۳۳ و ۳۶ می‌شود. این عامل با عامل بازنمایی‌های مخرب از خانواده همپوشانی دارد. ماده‌های این عامل نمایان‌گر ارزیابی‌های فرد است از اینکه تعارض والدین پیامدهای زیان‌آوری برای خانواده دارد. عامل ششم شامل ماده‌های ۲۷، ۳۱ و ۳۵ با عامل بازنمایی‌های تأثیر تعارض یکسان است؛ چراکه بازتابی است از باورهای فرد از اینکه تعارض بین والدین بر بهزیستی فرد و رابطه‌ی وی با والدینش تأثیر می‌گذارد. عامل هفتم شامل ماده‌های ۲، ۴ و ۹ است. این عامل در نسخه‌ی اصلی وجود ندارد. از آنجایی که این عامل مبتنی است بر هیجان ترس و واکنش‌های هیجانی مرتبط با آن (احساس ناامنی، ترس و انجماد) (کر، ۲۰۰۸)، این عامل واکنش هیجانی مبنی بر ترس نام‌گذاری شد. عامل هشتم شامل ماده‌های ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۳ و ۲۵ است و با عامل میانجی‌گری در نسخه‌ی آمریکایی یکسان است. از آنجایی که این عامل نشان‌دهنده‌ی دخیل‌شدن رفتاری (مثل دل‌داری دادن، حل مسئله) در تعارض بین والدین است، میانجی‌گری رفتاری نام گرفت. عامل نهم شامل دو ماده‌ی ۱۹ و ۲۰ است. این عامل در نسخه‌ی اصلی وجود ندارد. از آن‌رو که این عامل شامل دخیل‌شدن هیجانی (برای مثال نگرانی درباره‌ی مشکلات والدین) در تعارض بین پدر و مادر است، میانجی‌گری هیجانی نام گرفت. در جدول ۱ میزان واریانس مشترک هر ماده از عوامل آمده است.

جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۳۴ سؤال ۰/۸۰ بود که این عدد در دامنه‌ی مطلوب ضریب آلفای کرونباخ قرار دارد ($\alpha > 0.70$) (کورتینا^۲، ۱۹۹۳). همچنین ضرایب اعتبار آلفای

کرونباخ) هر یک از خرده‌مقیاس‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. پایین بودن میزان آلفای کرونباخ برخی خرده‌مقیاس‌ها می‌تواند به دلیل این باشد که میزان آلفای کرونباخ به شدت تحت تأثیر تعداد ماده‌های هر خرده‌مقیاس است؛ به این صورت که هرچه تعداد ماده‌های هر خرده‌مقیاس کم باشد، میزان ضریب آلفای کرونباخ نیز کم خواهد بود (کورتینا، ۱۹۹۳). کلارک^۱ و واتسون^۲ (۱۹۹۵) پیشنهاد می‌کنند در چنین شرایطی میانگین همبستگی بین ماده‌های هر عامل نیز بررسی شوند. دامنه قابل قبول برای همبستگی بین ماده‌های هر عامل بین ۰/۱۵ تا ۰/۵۰ قرار دارد (کلارک و واتسون، ۱۹۹۵). میانگین همبستگی بین ماده‌های عوامل اختلال در تنظیم رفتاری (۰/۲۷)، اجتناب (۰/۲۴)، واکنش هیجانی مبنی بر ترس (۰/۴۱) و میانجی‌گری هیجانی (۰/۱۷) در این دامنه قرار دارد.

جدول ۱. تحلیل عاملی اکتشافی بر روی پرسشنامه اصلی: روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین

عوامل									سؤال	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۰/۲۳	۰/۱۱	-۰/۲۸	-۰/۲۱	-۰/۱۷	-۰/۰۷	۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۷۹	۷. به نظر می‌رسد نمی‌توانم خودم را آرام کنم.	وقتی والدینم دعوا می‌کنند... واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی
۰/۱۳	۰/۰۱	-۰/۲۲	-۰/۲۶	-۰/۲۱	۰/۰۳	۰/۱۲	-۰/۰۵	۰/۷۷	۸. به نظر می‌رسد نمی‌توانم از شر احساس‌های بد خلاص شوم.	
۰/۲۰	۰/۱۳	-۰/۲۵	-۰/۲۳	-۰/۲۶	-۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۷۷	۶. کل روزم خراب می‌شود.	
-۰/۰۱	-۰/۱۳	-۰/۲۲	-۰/۱۱	-۰/۲۵	-۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۵۷	۳. احساس خشم می‌کنم.	
۰/۲۸	۰/۲۵	-۰/۱۶	-۰/۰۱	-۰/۱۹	-۰/۲۳	-۰/۰۱	۰/۲۲	۰/۴۸	۱. احساس ناراحتی می‌کنم.	
۰/۰۸	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۱۴	-۰/۱۹	-۰/۰۱	۰/۸۲	۰/۰۴	۲۹. می‌دانم که هنوز یکدیگر را دوست	
									۲۹. می‌دانم که هنوز مادرم در حال دعوا	

1. Clark
2. Watson

عوامل									سؤال	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
									دارند.	کردن هستند...
۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۷	-۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۷۷	۰/۰۱	۲۸. خانواده هنوز می‌تواند با یکدیگر همراه باشد.	بازنمایی‌های سازنده از خانواده
-۰/۰۹	۰/۲۳	-۰/۰۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۷۶	/۰۵	۳۷. معتقدم که می‌تواند اختلافاتشان را حل و فصل کند.	
۰/۰۷	۰/۲۸	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۰۲	-۰/۱۰	۰/۷۱	-۰/۱۶	۳۰. می‌دانم که همه‌چیز به‌خوبی پیش می‌رود.	
۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۰۷	-۰/۱۲	-۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۷۰	۰/۰۰۳	۰/۱۲	۲۶. سعی می‌کنم از آن‌ها دور شوم (مثلاً اتاق را ترک کنم).	هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند...
-۰/۱۱	-۰/۳۰	-۰/۰۵	-۰/۲۰	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۶۱	-۰/۰۷	۰/۲۳	۲۴. دوست دارم تا جایی که ممکن است از آن‌ها دور شوم.	اجتناب
۰/۱۸	-۰/۰۴	-۰/۲۷	-۰/۱۵	-۰/۰۷	-۰/۲۹	۰/۵۹	۰/۱۶	۰/۰۶	۱۸. سعی می‌کنم کاملاً ساکت باشم.	
۰/۲۱	۰/۲۶	-۰/۱۲	۰/۰۴	-۰/۱۶	-۰/۲۷	۰/۴۱	۰/۳۰	۰/۰۶	۲۲. صبر می‌کنم و امیدوارم که شرایط بهتر شود.	
۰/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۲۰	-۰/۱۸	۰/۷۳	-۰/۰۲	-۰/۰۸	۰/۱۳	۱۱. سر اعضای خانواده‌ام فریاد می‌کنم یا به آن‌ها بدویبراه می‌گویم.	هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند...
-۰/۰۵	-۰/۱۷	-۰/۳۰	-۰/۱۱	-۰/۰۸	۰/۶۴	-۰/۱۲	-۰/۲۰	-۰/۱۳	۱۲. اعضای خانواده‌ام را کتک می‌زنم یا به طرفشان چیزی پرتاب می‌کنم.	اختلال در تنظیم رفتاری
-۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۲	-۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۵۹	۰/۱۴	-۰/۱۲	-۰/۰۹	۱۶. سعی می‌کنم مسخره‌بازی در	

عوامل									سؤال	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
									بیاورم یا دردسری ایجاد کنم.	
۰/۲۲	۰/۱۳	-۰/۲۹	-۰/۲۵	-۰/۷۳	-۰/۰۶	۰/۰۶	-۰/۰۲	۰/۱۹	۳۲. درباره آینده خانواده‌مان نگران می‌شوم.	هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند... بازنمایی‌های مخرب از خانواده
۰/۱۹	۰/۰۳	-۰/۱۲	-۰/۲۷	-۰/۶۸	-۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۲۷	۳۳. درباره رفتار بعدی‌شان نگران می‌شوم.	
-۰/۱۷	۰/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۱۳	-۰/۶۲	۰/۱۵	۰/۱۸	-۰/۱۶	۰/۱۹	۳۴. می‌دانم این دعوا به خاطر این است که آن‌ها نمی‌دانند چگونه با هم سر کنند.	
۰/۲۹	-۰/۰۳	-۰/۱۵	-۰/۳۰	-۰/۵۷	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۰۱	۰/۴۷	۱۷. احساس می‌کنم در وسط جروبحث گرفتار شده‌ام.	
۰/۲۴	-۰/۰۸	-۰/۱۵	-۰/۲۲	-۰/۵۴	۰/۱۵	۰/۰۴	-۰/۱۲	۰/۱۰	۳۶. فکر می‌کنم شاید آن‌ها جدا از هم زندگی کنند یا از هم طلاق بگیرند.	
۰/۰۷	-۰/۰۱	-۰/۱۶	-۰/۸۲	-۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۰۳	-۰/۱۴	۰/۱۰	۳۱. احساس می‌کنم تقصیر من است.	
۰/۱۸	-۰/۰۱	-۰/۱۲	-۰/۸۰	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۲۰	۲۷. احساس می‌کنم آن‌ها از دست من ناراحت هستند.	
-۰/۰۱	-۰/۰۷	-۰/۱۷	-۰/۷۷	-۰/۲۴	۰/۱۸	۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۱۹	۳۵. فکر می‌کنم مرا سرزنش می‌کنند.	
-۰/۱۰	۰/۰۱	-۰/۷۳	-۰/۲۷	-۰/۳۰	۰/۱۱	۰/۱۲	-۰/۱۰	۰/۳۰	۴. وقتی والدینم دعوا می‌کنند، احساس ناامنی می‌کنم.	واکنش هیجانی مبنی بر ترس
۰/۱۴	۰/۰۰۱	-۰/۷۰	-۰/۲۱	-۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۳	۰/۱۱	۲. احساس ترسیدن	

عوامل									سؤال	
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
									می‌کنم.	
۰/۲۴	۰/۱۲	-۰/۶۶	-۰/۲۱	-۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۱۴	-۰/۰۷	۰/۲۸	۹. سر جایم خشک می‌شوم، مثل اینکه یخزده باشم.	
۰/۰۴	۰/۷۶	۰/۰۷	-۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۰۷	-۰/۱۷	۰/۳۰	۰/۰۸	۲۱. سعی می‌کنم مشکلشان را حل کنم.	
۰/۱۶	۰/۷۴	۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۹	-۰/۱۹	۰/۲۸	۰/۱۴	۲۳. سعی می‌کنم یکی یا هردوشان را آرام کنم.	
-۰/۰۴	۰/۷۲	۰/۰۱	۰/۱۴	-۰/۰۶	۰/۰۶	-۰/۰۲	۰/۲۲	۰/۰۸	۱۴. سعی می‌کنم با مطرح کردن چیزهای دیگر مانع دعوا کردنشان بشوم.	هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند... میانجی‌گری رفتاری
۰/۱۳	۰/۶۴	-۰/۱۲	-۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۳۰	۰/۰۳	۱۵. سعی می‌کنم بهترین رفتار را داشته باشم (مثلاً کارهای خوبی برایشان انجام دهم)	
-۰/۱۳	۰/۴۵	-۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۲۵	۰/۰۷	-۰/۰۰۸	۲۵. وانمود می‌کنم که اوضاع بهتر است.	
۰/۶۳	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۲	-۰/۲۶	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۳۰	۲۰. نمی‌توانم درباره مشکلاتشان فکر نکنم.	هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند... میانجی‌گری هیجانی
۰/۴۹	-۰/۰۷	-۰/۲۹	-۰/۲۴	-۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۴۲	-۰/۰۲	۰/۱۶	۱۹. دلم می‌خواست که می‌توانستم کاری انجام دهم؛ اما در آخر هم هیچ کاری انجام نمی‌دهم.	
۲/۹۹	۳/۲۴	۳/۴۸	۴/۱۴	۴/۳۶	۵/۴۶	۶/۰۸	۱۱/۹۶	۱۶/۱۴	درصد واریانس تبیین شده	

عوامل									سؤال
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								۵۷/۸۹	واریانس کل تبیین شده

جدول ۲. نتایج ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها

کل مقیاس	میانجی گری هیجانی	واکنش هیجانی مبنی بر ترس	بازنمایی‌های تأثیر تعارض	بازنمایی‌های مخرب	بازنمایی‌های سازنده	میانجی گری رفتاری	اجتناب	اختلال در تنظیم رفتاری	واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی	کل
۰/۸۰	۰/۲۹	۰/۶۷	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۷۹	۰/۷۲	۰/۵۷	۰/۵۱	۰/۷۵	

پس از بررسی اولیه بر ۵۰ درصد اولیه داده‌ها، تحلیل عاملی تأییدی بر ۵۰ درصد دوم با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که در مطالعه‌ی حاضر ماهیت متغیرهای مشاهده‌شده در سطح رتبه‌ای است و با توجه به محدودیت‌های موجود در لیزرل در تحلیل داده‌های رتبه‌ای و راه‌حل‌های ارائه‌شده توسط چورسگاگ^۱ و سوربوم^۲ (۱۹۸۸)، نخست ماتریس پلی سریال همبستگی بین متغیرهای مشاهده‌شده محاسبه شد، سپس این ماتریس به‌عنوان فایل فعال داده‌ها در محیط SPSS به‌عنوان داده‌های ورودی مورد استفاده قرار گرفت (السون^۳، دراسگو^۴ و دورانز^۵، ۱۹۸۲). این ضرایب همبستگی توسط پریلسس برای ایجاد یک ماتریس کوواریانس مجانبی مورد استفاده قرار گرفت. این ماتریس به‌عنوان ورودی در کنار ماتریس واریانس-کوواریانس نمونه‌ای در لیزرل استفاده شد.

طراحی مدل حاضر، به‌این ترتیب است که از ۹ متغیر نهفته‌ی بیرونی به نام واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی (۱، ۳، ۶، ۷ و ۸)، عامل بازنمایی‌های سازنده از خانواده

1. Joreskog
2. Sorbom
3. Olsson
4. Drasgow
5. Dorans

(۲۸،۲۹، ۳۰،۳۷)، عامل اجتناب (۱۸، ۲۲، ۲۴ و ۲۶)، عامل اختلال در تنظیم رفتاری (۱۱،۱۲ و ۱۶)، عامل بازنمایی‌های مخرب از خانواده (۱۷، ۳۲،۳۳، ۳۴ و ۳۶)، عامل بازنمایی‌های تأثیر تعارض (۲۷،۳۱ و ۳۵)، عامل واکنش هیجانی مبنی بر ترس (۲، ۴ و ۹)، عامل میانجی‌گری رفتاری (۱۴، ۱۵، ۲۳، ۲۱ و ۲۵) و عامل میانجی‌گری هیجانی (۱۹ و ۲۰) تشکیل شده است. سؤال اول هر یک از خرده‌مقیاس‌ها با ثابت کردن برآورد پارامتر آن به‌عنوان پارامتر مرجع شناخته می‌شود و اولین شاخص هر متغیر درونی برابر با ۱ است.

با توجه به نتایج جدول ۳، مقدار کای اسکوتر مدل برابر با $1339/31$ است که در سطح کوچک‌تر از $P < 0/01$ معنادار است. این آماره حاکی از آن است که ماتریس واریانس کوواریانس مشاهده‌شده و برآورد شده متفاوت‌اند، این آماره متأثر از حجم نمونه است، اغلب از تفسیر مستقیم این آماره خودداری می‌شود، نسبت این آماره بر درجه آزادی کوچک‌تر از ۳ است و برازش خوب مدل را نشان می‌دهد (مقدسین اصغری مقدم، ۲۰۱۱). آماره RSMEA در مدل حاضر برابر با $0/054$ است، چون این آماره با فاصله اطمینان $0/90$ بین $0/051 - 0/057$ قرار دارد، حاکی از برازش خوب مدل طراحی شده است. مقادیر RSMEA کوچک‌تر از $0/05$ حاکی از برازش قابل‌قبول مدل، بین $0/05$ تا $0/08$ نشان‌دهنده‌ی برازش تقریباً خوب، بین $0/08$ تا $0/1$ نشان‌دهنده‌ی برازش متوسط و بزرگ‌تر از $0/1$ حاکی از برازش ضعیف مدل است (براون^۱ و کادک^۲، ۱۹۹۳). شاخص ECVI، شاخص اعتبار درونی مورد انتظار است که هرچه قدر این مقدار به صفر نزدیک‌تر شود، برازش مدل بهتر است. NFI در مدل برابر با $0/91$ است و ارزش‌های بالاتر از $0/9$ مطلوب هستند (بنتلر^۳ و بانت^۴، ۱۹۸۰). NNFI به‌دست‌آمده برابر با $0/92$ است. مقادیر بالاتر از $0/8$ مطلوب در نظر گرفته می‌شوند (هوپر^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). CFI (شاخص برازش نسبی) $0/96$ به‌دست‌آمده است. مقادیر بالاتر از $0/95$ حاکی از برازش خوب مدل هستند (هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). RMR یا ریشه دوم متوسط مربعات تفاوت بین عناصر در

1. Browne
2. Cudeck
3. Bentler
4. Bonnet
5. Hooper

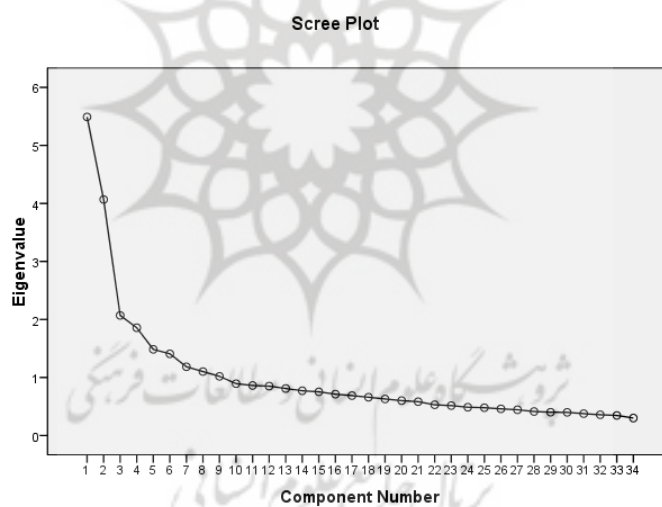
ماتریس S و Σ است که به آن میانگین قدر مطلق مقادیر باقیمانده‌ی کوواریانس می‌گویند، در این مطالعه برابر با ۰/۰۴۹ به دست آمد. همچنین SRMR برابر با ۰/۰۴۸ به دست آمد. مقدار زیر ۰/۰۵ برای هر دوی این شاخص‌ها، برازش مناسبی را نشان می‌دهد (بلانچ^۱، ۲۰۰۸). هرچند مقادیری که به ۰/۸ می‌رسند نیز قابل قبول هستند (هو و بنتلر^۲، ۱۹۹۹). شاخص نیکویی برازش GFI مدل برابر با ۰/۹۵ است و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده برای درجات آزادی مدل AGFI نیز برابر با ۰/۹۳ است. ارزش‌های قابل قبول برای این دو شاخص، ارزش‌های بالاتر از ۰/۹ است (هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه این دو شاخص تحت تأثیر اندازه‌ی نمونه هستند، تفسیر مقادیرشان به تنهایی برای ارزیابی برازش مدل کافی نیستند (هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). شاخص برازش هنجار شده مقدار PGFI نیز در مطالعه‌ی حاضر برابر با ۰/۷۴ به دست آمد، مقادیر بالای ۰/۵۰ اغلب مناسب در نظر گرفته می‌شوند (بایرن^۳، ۲۰۱۶). با توجه به اینکه شاخص‌های اصلی در بررسی برازش مدل به لحاظ آماری قابل قبول هستند و با توجه به اینکه تمام ضرایب مسیر (نمودار ۲) در تحلیل عاملی تأییدی معنادار می‌باشند، می‌توان گفت که مدل از برازش مناسب برخوردار است. نتایج مربوط به تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه نمرات دو گروه دختران و پسران در نه خرده‌مقیاس پرسشنامه SIS نشان داد که در چهار خرده‌مقیاس تفاوت معناداری بین دو گروه دختران و پسران در آزمون چندمتغیره وجود دارد. از آنجاکه در این مطالعه تنها دو گروه مقایسه می‌شوند اثر هتلینگک، آزمون مناسب‌تری است ($F_{9,559} = 3/91$ ، $P = 0/0001$) (جدول ۵).

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

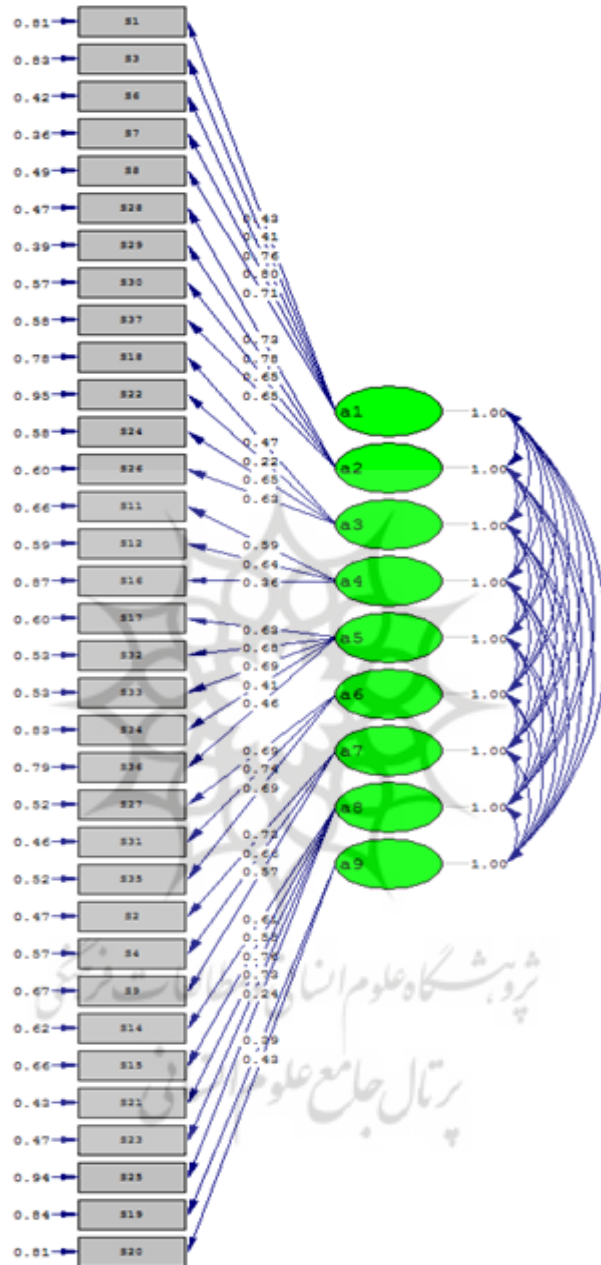
شاخص‌های ب، رازش	مقدار مشاهده شده	مقدار مورد انتظار	ارزیابی شاخص‌های برازش
χ^2	۱۳۳۹/۳۱	$\frac{1339.31}{491} = 2.7$	مناسب
df	۴۹۱		
P <	۰/۰۰۰۰۰	P < ۰/۰۱	مناسب

1. Blunch
2. Hu and Bentler
3. Byrne

شاخص‌های ب، رازش	مقدار مشاهده شده	مقدار مورد انتظار	ارزیابی شاخص‌های برازش
RMSEA	۰/۰۵۴	۰/۰۸ >	مناسب
ECVI	۲/۶۴ (۲/۸۳ - ۲/۴۶)	-	مناسب
NFI	۰/۹۱	۰/۹۰ <	مناسب
NNFI	۰/۹۲	۰/۹۰ <	مناسب
CFI	۰/۹۶	۰/۹۵ <	مناسب
RMR	۰/۰۴۹	۰/۰۵	مناسب
SRMR	۰/۰۴۸	۰/۰۵	مناسب
GFI	۰/۹۵	۰/۹۰ <	مناسب
AGFI	۰/۹۳	۰/۹۰ <	مناسب
PGFI	۰/۷۴	۰/۵۰ <	نامناسب



نمودار ۱. نمودار شیب دامنه عوامل (اسکری پلات)



نمودار ۲. ضرایب مسیر استانداردشده‌ی پرسشنامه امنیت در زیرسیستم بین والدینی

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۵۱

جدول ۴. نتایج شاخص‌های توصیفی نه‌خرده مقیاس پرسشنامه SIS در دو گروه دختران و پسران

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۳/۸۷	۱۲/۳۰	۳۰۱	دختران	واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی
۴/۰۱	۱۱/۵۵	۲۶۸	پسران	
۲/۲۳	۵/۹۷	۳۰۱	دختران	واکنش هیجانی مبنی بر ترس
۲/۲۴	۵/۵۵	۲۶۸	پسران	
۱/۸۰	۴/۶۵	۳۰۱	دختران	میانجی‌گری هیجانی
۱/۶۴	۴/۵۰	۲۶۸	پسران	
۳/۹۲	۱۳/۲۸	۳۰۱	دختران	میانجی‌گری رفتاری
۳/۶۹	۱۳/۸۶	۲۶۸	پسران	
۳/۰۲	۹/۷۹	۳۰۱	دختران	اجتناب
۲/۹۴	۹/۲۱	۲۶۸	پسران	
۱/۴۹	۳/۹۴	۳۰۱	دختران	اختلال در تنظیم رفتاری
۱/۳۳	۳/۸۲	۲۶۸	پسران	
۳/۴۲	۱۲/۱۸	۳۰۱	دختران	بازنمایی‌های سازنده از خانواده
۳/۳۶	۱۲/۵۰	۲۶۸	پسران	
۳/۷۶	۱۰/۰۳	۳۰۱	دختران	بازنمایی‌های مخرب از خانواده
۳/۷۵	۱۰/۲۲	۲۶۸	پسران	
۲/۰۹	۴/۶۷	۳۰۱	دختران	بازنمایی‌های تأثیر تعارض
۲/۳۸	۵/۰۹	۲۶۸	پسران	

جدول ۵. آزمون‌های چندمتغیری جهت مقایسه‌ی نه‌خرده مقیاس SIS در دو گروه دختران و

پسران

اندازه اثر	سطح معنی‌داری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	F	مقدار	اثرات آزمون‌های چند متغیره
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۱	۵۵۹	۹	۳/۹۱۶	۰/۰۵۹	اثر پیلایی
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۱	۵۵۹	۹	۳/۹۱۶	۰/۹۴۱	لامبدای ویلکز
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۱	۵۵۹	۹	۳/۹۱۶	۰/۰۶۳	اثرهتلینگ
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰۱	۵۵۹	۹	۳/۹۱۶	۰/۰۶۳	بزرگ‌ترین ریشه‌ی روی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۵۳

جدول ۶. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها (تفاوت دو گروه دختران و پسران در نه خرده‌مقیاس

پرسشنامه SIS)

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۲۴	۵/۱۲	۷۹/۶۷	۱	۷۹/۶۷	واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی
۰/۰۲۷	۴/۹۳	۲۴/۷۵	۱	۲۴/۷۵	واکنش هیجانی مبنی بر ترس
۰/۳۰۶	۱/۰۵	۳/۱۵	۱	۳/۱۵	میانجی‌گری هیجانی
۰/۰۷۴	۳/۲۱	۴۶/۸۳	۱	۴۶/۸۳	میانجی‌گری رفتاری
۰/۰۲۲	۵/۲۹	۴۷/۲۹	۱	۴۷/۲۹	اجتناب
۰/۳۲۷	۰/۹۶	۱/۹۵	۱	۱/۹۵	اختلال در تنظیم رفتاری
۰/۲۶۵	۱/۲۴	۱۴/۳۴	۱	۱۴/۳۴	بازنمایی‌های سازنده از خانواده
۰/۵۶۱	۰/۳۳	۴/۷۹	۱	۴/۷۹	بازنمایی‌های مخرب از خانواده
۰/۰۲۵	۵/۰۴	۲۵/۲۷	۱	۲۵/۲۷	بازنمایی‌های تأثیر تعارض

بحث و نتیجه‌گیری

ایجاد پرسشنامه‌ای مبتنی بر روش خودسنجی به‌منظور اندازه‌گیری نایمنی هیجانی در بین پسران و دختران نوجوان اهمیتی شایان توجه دارد. باوجوداینکه پرسشنامه امنیت در زیرسیستم بین والدینی (SIS) به‌صورت گسترده‌ای در پژوهش‌های مربوط به تأثیر تعارض والدین بر مشکلات تحولی کودکان و نوجوانان استفاده شده است، این مقیاس تاکنون در جامعه نوجوانان ایرانی سازگار نشده است؛ بنابراین، در این مطالعه تلاش شده است تا به این خلأ پژوهشی پرداخته شود. بدین منظور در ابتدا نسخه انگلیسی SIS به فارسی برگردانده و سپس روایی سازه آن بررسی شد.

جهت بررسی روایی سازه، ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی بر روی داده‌ها صورت گرفت تا ساختار عاملی SIS در داده‌های تجربی جامعه ایرانی (گروه سنی نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال (پایه‌های نهم تا دوازدهم، متوسطه اول و دوم)) بررسی گردد. همان‌طور که در قسمت نتایج توضیح داده شد، سه ماده به دلیل ضعف در تفسیرپذیری تئوریک از تحلیل عاملی

اکتشافی حذف شدند (تباچنیک و فیدل، ۱۹۹۶). در نهایت، در تحلیل اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌ی اصلی با چرخش ابلیمین، ۹ عامل به دست آمد که ۵۷/۸ واریانس سازی نایمنی هیجانی را تبیین می‌کند. عوامل استخراج شده هر هفت عامل نسخه اصلی را پوشش می‌دهند: عامل اول شامل گویه‌های ۱، ۳، ۶، ۷ و ۸، عامل دوم شامل گویه‌های ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۷، عامل سوم شامل گویه‌های ۱۸، ۲۲، ۲۴ و ۲۶، عامل چهارم شامل گویه‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۶، عامل پنجم شامل گویه‌های ۱۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۳۶، عامل ششم شامل گویه‌های ۲۷، ۳۱ و ۳۵، عامل هفتم شامل گویه‌های ۲، ۴ و ۹، عامل هشتم شامل گویه‌های ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۳ و ۲۵ و عامل نهم شامل گویه‌های ۱۹ و ۲۰ است.

اولین عامل در نسخه آمریکایی واکنش هیجانی نام دارد که گویه‌های مبتنی بر هیجان‌های غم، خشم، ترس، ناامنی و ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها در طول روز می‌شود. این عامل در بررسی نسخه فارسی و به هنگام استخراج عوامل به دو عامل متمایز تقسیم شده است. در واقع، در بررسی نسخه فارسی، گویه‌هایی که دربرگیرنده هیجان‌های غم، خشم و ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها در طول روز می‌شوند، بر عامل اول بار شده‌اند؛ به همین دلیل، این عامل، واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی نام‌گذاری شد؛ همچنین، ماده‌هایی که مبنی بر هیجان ترس و آنچه به ترس مرتبط می‌شود، مانند انجماد (سر جایم خشک می‌شوم) و احساس ناامنی (کر، ۲۰۰۸) بر عامل هفتم بار شده‌اند؛ بنابراین، این عامل، واکنش هیجانی مبنی بر ترس نام‌گذاری شد. متمایز شدن هیجان ترس از دیگر هیجان‌ها در نتیجه به‌دست آمده در واقع همسو با مطالعاتی است که ترس را هیجانی کاملاً متمایز از سایر هیجان‌ها می‌دانند. از جمله آرنیدل^۱ و همکاران (۱۹۹۱) مطرح می‌کند که ترس در عوامل مختلفی از جمله ارزیابی‌هایی که فرد از قبل انجام می‌دهد، حالت‌های چهره و تمایلات رفتاری از سایر هیجان‌ها متمایز است.

همچنین، عامل میانجی‌گری در نسخه آمریکایی شامل ماده‌هایی است که تلاش برای مداخله رفتاری یا هیجانی در مشکلات والدین را نشان می‌دهد. در بررسی نسخه

فارسی پرسشنامه و در تحلیل اکتشافی، بخش رفتاری و بخش هیجانی از یکدیگر متمایز شده و بر دو عامل مجزا بار شده‌اند؛ بدین صورت که گویه‌های بازتاب‌دهنده تلاش برای مداخله‌ی رفتاری (سعی می‌کنم بهترین رفتار را داشته باشم، سعی می‌کنم مشکلاتشان را حل کنم، سعی می‌کنم یکی یا هردوشان را آرام کنم، سعی می‌کنم با مطرح کردن چیزهای دیگر مانع دعوا کردنشان بشوم و وانمود می‌کنم که اوضاع بهتر است) بر عامل هشتم و ماده‌های بازتاب‌دهنده مداخله هیجانی و دل‌مشغولی درباره مشکلات والدین (نمی‌توانم درباره مشکلاتشان فکر نکنم، دلم می‌خواست که می‌توانستم کاری انجام دهم؛ اما در آخر هم هیچ کاری انجام نمی‌دهم) بر عامل نهم بار شده‌اند.

در ادامه، جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ در پنج عامل بالاتر از $0/70$ به دست آمد. در چهار عامل دیگر این ضریب زیر $0/70$ است که ممکن است به این دلیل باشد که عوامل دربرگیرنده‌ی ماده‌های کم‌تر، به ارزش‌های کم‌تر همسانی درونی تمایل دارند (سویلز^۱ و مکینتیر^۲، ۲۰۰۲). در واقع، اعتبار هر مطالعه باید بر اساس شرایط خاص همان مطالعه در نظر گرفته شود (پدهازور^۳ و اسکملکین^۴، ۱۹۹۱). در حقیقت تعداد ماده‌های هر عامل و همچنین حجم نمونه در تفسیر اعتبار باید در نظر گرفته شوند (کرونباخ، ۱۹۵۱)؛ بنابراین، از میانگین همبستگی بین ماده-های هر عامل (کرونباخ، ۱۹۵۱) که به طول مقیاس وابسته نیست استفاده شد. طبق گفته‌ی کلارک و واتسون (۱۹۹۵) دامنه‌ی قابل قبول برای میانگین همبستگی بین ماده‌های هر عامل بین $0/15$ تا $0/50$ قرار دارد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که میانگین چهار عامل مدنظر، در این دامنه قرار دارد که حاکی از آن است که ضرایب آلفای گزارش شده را می‌توان مطلوب در نظر گرفت.

تفاوت‌های جنسیتی در نمره‌های خرده مقیاس-های نسخه‌ی فارسی SIS مورد واریسی قرار گرفت. در بررسی نقش جنسیت در نه عامل به‌دست آمده نتایج نشان داد که جنسیت

1. Swailes
2. McIntyre-Bhatty
3. Pedhazur
4. Schmelkin

در پنج عامل تفاوت معناداری ندارد و در چهار عامل دیگر (واکنش هیجانی مبنی بر خشم و ناراحتی، اجتناب، تأثیر تعارض و واکنش هیجانی مبنی بر ترس) تفاوت معنادار است. به نظر می‌رسد دختران در مقایسه با پسران، به هنگام نزاع بین والدین، بیشتر احساس خشم، ناراحتی و ترس می‌کنند و بازخوردهای رفتاری‌شان بیشتر شامل اجتناب می‌شود. این نتایج همسو با جامعه‌ی آمریکایی است که در آن دختران به هنگام تعارض بین والدین، ناراحتی و ترس بیشتری را بروز می‌دهند و در رفتارهایشان بیشتر اجتناب می‌کنند (هنسی، رایبدو، سیچتی و کامینگز، ۱۹۹۴؛ راکر و همکاران، ۱۹۹۶). این نتایج را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که در فرایند جامعه‌پذیری دختران می‌آموزند که حساسیت بیشتری به روابط بین فردی نزدیک مانند روابط افراد در خانواده داشته باشند (هلگسون، ۱۹۹۴؛ هیل و لینچ، ۱۹۸۳)؛ بنابراین، حساسیت و نگرانی بیشتر درباره‌ی روابط افراد در خانواده باعث می‌شود که دختران به هنگام نزاع والدین واکنش بیشتری نشان دهند. از دیگر سو، نتایج نشان داد که پسران به هنگام دعوی بین والدین بیش از دختران از تعارض بین والدینشان تأثیر می‌پذیرند و خود را بیش از دختران مقصر و علت نزاع بین والدینشان می‌دانند.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که این مطالعه بر دانش‌آموزان شیرازی انجام شده است و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، محیطی و تربیتی تعمیم نتایج به کل نوجوانان ایرانی باید با احتیاط انجام شود. به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد که مطالعات آینده به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در دیگر شهرها بپردازند. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش این است که داده‌هایی جهت بررسی روایی همگرا و واگرا جمع‌آوری نشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این موارد نیز ارزیابی شوند. علاوه بر این، نیاز هست که برخی از ابعاد SIS به لحاظ همسانی درونی ارتقا یابند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که علاوه بر بررسی گزارش‌های نوجوانان درباره اختلافات بین والدین، گزارش‌های والدین آن‌ها نیز لحاظ شود تا مشخص شود کدام مقیاس‌ها به تجربه‌های شخصی افراد، میزان آسیب‌پذیری‌شان و مراحل تحولی حساس هستند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌گردد که SIS در خانواده‌های با ساختار متفاوت، مانند خانواده‌هایی که

بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت...؛ عبودی و همکاران | ۵۷

والدین در آن‌ها از هم جدا شده‌اند، نیز، بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که میزان استفاده بالینی این ابزار نیز مورد بررسی قرار گیرد.

تعارض منافع

کلیه نویسندگان این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی برای اعلام ندارند.

سپاسگزاری

از تمام شرکت کنندگانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، کمال تشکر داریم.

ORCID

Elahe Oboudi

Maryam Moghadasin

Jafar Hasani



<https://orcid.org/0000-0002-8894-2611>



<https://orcid.org/0000-0002-0205-1317>



<https://orcid.org/0000-0002-7061-9330>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قره‌باغی فاطمه، وفایی مریم، (۱۳۸۶). ایمنی هیجانی در خانواده و نشانه‌های آسیب‌شناختی روانی و سلامت کودک: بررسی نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کننده خلق کودک.
- مقدسین و اصغری مقدم. (۲۰۱۱). بررسی ساختار عاملی (تأییدی) نسخه فارسی پرسشنامه حالت-صفت بیان خشم STAXI-2 در جمعیت بالینی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱(۴)، ۱-۴۲.

References

- Arrindell, W. A., Oei, T. P. S., Evans, L., & Van der Ende, J. (1991). Agoraphobic, animal, death-injury-illness and social stimuli clusters as major elements in a four-dimensional taxonomy of self-rated fears: First-order level confirmatory evidence from an Australian sample of anxiety disorder patients. *Advances in Behaviour Research and Therapy*, 13(4), 227-249.
- Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). Significance test and goodness of fit in the analysis of covariance structures. *Psychological Bulletin*, 88, 588-606.
- Blatz, W. E. (1966). *Human security: Some reflections*. University of Toronto Press.
- Blunch, N. J. (2008). Introduction to structural equation modelling using SPSS and AMOS Thousand Oaks.
- Browne, M. W & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. *Sage focus editions*, 154: pp. 136-162.
- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. *Sage focus editions*, 154, 136-136.
- Byrne, B. M. (2016). *Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming*: Routledge.
- Cattell, R. B. (1966). The scree test for the number of factors. *Multivariate behavioral research*, 1(2), 245-276
- Clark, L. A., & Watson, D. (1995). Constructing validity: Basic issues in objective scale development. *Psychological Assessment*, 7(3), 309-319.
- Corr, P. J. (2008). Reinforcement Sensitivity Theory (RST): Introduction.
- Cortina, J. M. (1993). What is coefficient alpha? An examination of theory and applications. *Journal of applied psychology*, 78(1), 98.
- Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *Psychometrika*, 16, 297-334.
- Cummings, E. M. (1995). Usefulness of experiments for the study of the family. *Journal of Family Psychology*, 9(2), 175.
- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2010). Marital conflict and children: An

- emotional security perspective. New York: Guilford
- Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2010). *Marital conflict and children: An emotional security perspective*. Guilford Press.
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological bulletin*, 116(3), 387.
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1998). Exploring children's emotional security as a mediator of the link between marital relations and child adjustment. *Child development*, 69(1), 124-139.
- Fincham, F. D., Grych, J. H., & Osborne, L. N. (1994). Does marital conflict cause child maladjustment? Directions and challenges for longitudinal research. *Journal of Family Psychology*, 8, 128-140.
- Grych, J. H., Seid, M & Fincham, F. D, (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale, *Child Development*, 63, 558-572.
- Guttman, L. (1954). Some necessary conditions for common-factor analysis. *Psychometrika*, 19(2), 149-161.
- Helson, R., & Wink, P. (1987). Two conceptions of maturity examined in the findings of a longitudinal study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(3), 531.
- Hennessy, K. D., Rabideau, G. J., Cicchetti, D., & Cummings, E. M. (1994). Responses of physically abused and nonabused children to different forms of interadult anger. *Child development*, 65(3), 815-828.
- Hill, J. P., & Lynch, M. E. (1983). The intensification of gender-related role expectations during early adolescence. In *Girls at puberty* (pp. 201-228). Springer, Boston, MA.
- Holt, T., Helland, M. S., Gustavson, K., Cummings, E. M., Ha, A., & Røysamb, E. (2020). Assessing Children's Responses to Interparental Conflict: Validation and Short Scale Development of SIS and CPIC-Properties Scales. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 48(2), 177-196.
- Jackson, D. L. (2003). Revisiting sample size and number of parameter estimates: Some support for the N: q hypothesis. *Structural equation modeling*, 10(1): pp. 128-141.
- Joreskog, K. G., & Sorbom, D. (1988). LISREL VII: A guide to the program and applications. Chicago: SPSS.
- Kaiser, H. F. (1961). A note on guttman's lower bound for the number of common factors 1. *British Journal of Statistical Psychology*, 14(1), 1-2.
- Kline, R. B. (2015). Principles and practice of structural equation modeling: Guilford publications.
- McQuitty, S. (2004). Statistical power and structural equation models in

- business research. *Journal of Business Research*, 57(2): pp. 175-183.
- Olsson, U., Drasgow, F., & Dorans, N. J. (1982). The polyserial correlation coefficient. *Psychometrika*, 47(3): pp. 337-347.
- Pedhazur, E. J., & Schmelkin, L. (1991). *Measurement, design, and analysis: An integrated approach*. Hillsdale: Lawrence Erlbaum Associates.
- Silva, A. D., Gao, M. M., Barni, D., Donato, S., Miller-Graff, L. E., & Cummings, E. M. (2020). Interparental Conflict on Italian Adolescent Adjustment: The Role of Insecurity within the Family. *Journal of Family Issues*, 0192513X20927749.
- Silva, C. S., Calheiros, M. M., & Carvalho, H. (2016). Security in the Interparental Subsystem (SIS) scale: psychometric characteristics in a sample of Portuguese adolescents. *Journal of family violence*, 31(2), 147-159.
- Swales, S., & McIntyre-Bhatty, T. (2002). The BBelbin^ team role inventory: reinterpreting reliability estimates. *Journal of Managerial Psychology*, 17(6), 529-536.
- Thompson, R. A. (2000). The legacy of early attachments. *Child development*, 71(1), 145-152.
- Zotova, O. Y. (2015). Emotional Security of People.

ضمیمه: پرسشنامه

لطفاً به پرسش‌های زیر بر اساس آنچه **در طول یک‌سال گذشته** درباره‌ی شما صدق می‌کند، پاسخ دهید. با دایره کشیدن دور یکی از چهار گزینه پاسخ دهید. از همکاری شما متشکریم.

۱. اصلاً درباره‌ی من صدق نمی‌کند. ۲. کمی درباره‌ی من صدق می‌کند. ۳. تقریباً درباره‌ی من صدق می‌کند. ۴. خیلی زیاد درباره‌ی من صدق می‌کند.

				وقتی والدینم دعوا می‌کنند، احساس... می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱. ناراحتی
۴	۳	۲	۱	۲. ترسیدن
۴	۳	۲	۱	۳. خشم
۴	۳	۲	۱	۴. ناامنی
				بعد از دعوای والدینم...
۴	۳	۲	۱	۵. کل روزم خراب می‌شود.
۴	۳	۲	۱	۶. به‌نظر می‌رسد نمی‌توانم خودم را آرام کنم.
۴	۳	۲	۱	۷. به‌نظر می‌رسد نمی‌توانم از شر احساس‌های بد خلاص شوم.
۴	۳	۲	۱	۸. سر جایم خشک می‌شوم، مثل اینکه بیخ‌زده باشم.
۴	۳	۲	۱	۹. سر اعضای خانواده‌ام فریاد می‌کنم یا به آن‌ها بدویراه می‌گویم.
۴	۳	۲	۱	۱۰. اعضای خانواده‌ام را کتک می‌زنم یا به طرفشان چیزی پرتاب می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۱. سعی می‌کنم با مطرح کردن چیزهای دیگر مانع دعواکردنشان بشوم.
۴	۳	۲	۱	۱۲. سعی می‌کنم بهترین رفتار را داشته باشم (مثلاً کارهای خوبی برایشان انجام دهم).
۴	۳	۲	۱	۱۳. سعی می‌کنم مسخره‌بازی دریاورم یا دردسری ایجاد کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۴. احساس می‌کنم در وسط جروبحث گرفتار شده‌ام.
۴	۳	۲	۱	۱۵. سعی می‌کنم کاملاً ساکت باشم.
۴	۳	۲	۱	۱۶. دلم می‌خواست که می‌توانستم کاری انجام دهم؛ اما در آخر هم هیچ کاری انجام نمی‌دهم.
۴	۳	۲	۱	۱۷. نمی‌توانم درباره مشکلاتشان فکر نکنم.
۴	۳	۲	۱	۱۸. سعی می‌کنم مشکلاتشان را حل کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۹. صبر می‌کنم و امیدوارم که شرایط بهتر شود.
۴	۳	۲	۱	۲۰. سعی می‌کنم یکی یا هر دویشان را آرام کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۱. دوست دارم تا جایی که ممکن است از آن‌ها دور شوم.
۴	۳	۲	۱	۲۲. وانمود می‌کنم که اوضاع بهتر است.
۴	۳	۲	۱	۲۳. سعی می‌کنم از آن‌ها دور شوم (مثلاً اتاق را ترک کنم).

				هنگامی که پدر و مادرم در حال دعوا کردن هستند...
۴	۳	۲	۱	۲۴. احساس می‌کنم آن‌ها از دست من ناراحت هستند.
۴	۳	۲	۱	۲۵. خانواده هنوز می‌توانند با یکدیگر همراه باشند.
۴	۳	۲	۱	۲۶. می‌دانم که هنوز یکدیگر را دوست دارند.
۴	۳	۲	۱	۲۷. می‌دانم که همه چیز به خوبی پیش می‌رود.
۴	۳	۲	۱	۲۸. احساس می‌کنم تقصیر من است.
۴	۳	۲	۱	۲۹. درباره آینده خانواده‌مان نگران می‌شوم.
۴	۳	۲	۱	۳۰. درباره رفتار بعدی‌شان نگران می‌شوم.
۴	۳	۲	۱	۳۱. می‌دانم این دعوا به خاطر این است که آن‌ها نمی‌دانند چگونه با هم سر کنند.
۴	۳	۲	۱	۳۲. فکر می‌کنم مرا سرزنش می‌کنند.
۴	۳	۲	۱	۳۳. فکر می‌کنم شاید آن‌ها جدا از هم زندگی کنند یا از هم طلاق بگیرند.
۴	۳	۲	۱	۳۴. معتقدم که می‌توانند اختلافاتشان را حل و فصل کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: عبودی، الهه، مقدسین، مریم، حسنی، جعفر. (۱۴۰۱). بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه‌ی امنیت در زیرسیستم بینوالدینی (SIS)، مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۱۲(۴۶)، ۲۵-۶۲.

DOI: 10.22054/JCPS.2022.62362.2608



Clinical Psychology Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.